

مبارزات شیعه در قرن اول هجری

خودکامگان بنی امیه و بنی عباس در هیچ زمان از حملات شیعیان مجاهد از جان گذشته در امان نبودند

واژه «شیعه» به معنای یاران و «پیروان» می باشد ، این واژه ، نامی است که در تاریخ اسلام یاران و پیروان علی بن ابی طالب (ع) که به رهبری و امامت او و فرزندان او اعتقاد داشته و به خاندان پیامبر ، مهر و علاقه ویژه ای دارند ، به آن نامیده شده اند ، حتی این کلمه بعنوان یاران و علاقه مندان مخصوص علی (ع) در عصر پیامبر (ص) نیز رواج داشت .

تاریخ شیعه تاریخی طولانی و پرفراز و نشیب است که با تاریخ اسلام همزمان آغاز شده و همگام با آن ، پیش رفته است .

شیعیان در آغاز پیدایش ، یک گروه اسلامی بودند که علی (ع) را شایسته ترین فرد برای خلافت می دانستند ولی این گروه ، به صورت یک حزب متشکل و سازمان یافته نبود ، بلکه از افراد فراوانی تشکیل می یافت که در نقاط و شهرهای مختلف اسلامی پراکنده شده بودند و عامل پیوند آنان ، اعتقاد به شایستگی علی (ع) برای رهبری امت اسلامی ، و علاقه ویژه به خاندان رسالت بود و بسیاری از آنان از یاران برجسته پیامبر اسلام (ص) بشمار می رفتند .

نقش عاشورا در شکوفائی تشیع

فاجعه کربلا و شهادت حسین بن علی (ع) ، حادثه تاریخی بزرگی بود که موجب تبلور تشیع و شکل شیعیان گردید و باعث شد که شیعیان بیش از پیش بصورت یک گروه مشخص و دارای مبانی ویژه سیاسی و مکتب عقیدتی انقلابی درآیند . اقدام شیعیان کوفه در دعوت امام حسین (ع) و سپس خودداری از حمایت وی ، با مکتب تشیع که مکتب مبارزه و شهادت است ، قابل توجیه نیست جز آنکه بگوئیم : آنان در آن مقطع زمانی گرفتار انحراف و ضعف عقیدتی شده بودند و گر نه امکان نداشت که از یاری اودست بردارند .

امادر هر حال فاجعه کربلا نقش بزرگی در پرورش روح تشیع و افزایش هواداران و طرفداران این مکتب داشت بطوری که اگر بگوئیم : **عاشورا نقطه آغاز حرکت تشیع بود** ، مبالغه نکرده ایم .

پس از فاجعه شهادت حسین بن علی (ع) شیعیان بصورت یک گروه منظم در آمدند که پیوندهای سیاسی و نظریات دینی ، آنان را بهم مرتبط می ساخت شیعیان از آن تاریخ ، اجتماعات و رهبرانی داشتند و دارای نیروهای نظامی بودند . گروه «**تواین**» که پس از عاشورا برای خونخواهی حسین بن علی

(ع) قیام کردند ، نخستین جلوه این گروه متشکل بشمار می رفتند .

عملیات سازمان یافته تواین

«**معهودی**» می گوید : در سال ۶۰ هجری شیعیان کوفه به جنبش درآمدند و بواسطه آنکه امام حسین (ع) رایاری نکرده بودند و او بیگناه کشته شده بود ، یکدیگر را ملامت نموده اظهارندامت کردند و به اشتباه خود در کوتاهی دریاری حسین بن علی (ع) پی بردند و با خود گفتند : این لکه ننگ از دامن ما پاک نمی شود مگر آنکه انتقام خون حسین بن علی (ع) و یاران او را از قاتلان آنان بگیریم یا کشته شویم .

«**طبری**» نیز تبلور گروه شیعیان در گروه تواین را پس از شهادت حسین بن علی (ع) چنین ترسیم نموده می نویسد :

«تواین سرگرم جمع آوری ساز و برگ جنگی و آمادگی برای جنگ بودند و بطور سری شیعیان و دیگران را به خونخواهی حسین بن علی (ع) دعوت می کردند و مردم گروه گروه به آنان می پیوستند.»

عملیات سازمان دهی شیعیان ، و گروه تواین انحصار به کوفه نداشت ، بلکه «**سلیمان بن صر و**» رهبر تواین طی نامه هایی از شیعیان «**مدائن و بصره**» نیز دعوت کرد که به جنبش تواین بپیوندند ، آنان نیز این دعوت را پذیرفتند . از این تاریخ ، جنبش شیعیان بیش از پیش رنگ دینی به خود گرفت ، بطوری که جنبه دینی آن برجسته سیاسی غلبه یافت .

با آنکه شیعیان پس از رحلت پیامبر اسلام (ص) تنها یک اقلیت بودند که علی بن ابی طالب (ع) را بر اساس شایستگی هایی که داشت ، و با این اعتقاد که از جانب پیامبر ، برای جانشینی تعیین شده بود تنها فرد لایق برای تصدی خلافت می دانستند ، و

گرچه پس از قتل عثمان و به خلافت رسیدن علی (ع) بسیاری از مسلمانان از او به عنوان خلیفه اسلامی پشتیبانی کردند ، اما ریخته شدن خون پاک حسین (ع) (نوه پیامبر اسلام) و جدان سرمد را بیدار ساخت و آنان را به عمق و عظمت فاجعه و مصیبتی که خاندان پیامبر در این حادثه تحمل کرده بودند متوجه ساخت و بدین ترتیب ، تشیع که طرفدار حقانیت خاندان رسالت بود ، این حادثه را در مبارزات خود نقطه عطفی قرار دادند .

در اثر شهادت حسین بن علی (ع) ، بسیاری از مسلمانان غیر عرب به تشیع گرایش پیدا کردند زیرا او را بزرگترین نمونه جانبازی و فداکاری و مقاومت در برابر ستم و مصائب در راه آزادی و سعادت بشر یافتند و چون ایرانیان فطرتاً میل به فداکاری و جانبازی در راه آرمانهای بشری داشتند ، فداکاری و از خود گذشتگی حسین بن علی (ع) با استعداد طبیعی آنان سازگار بود و از این روشفته راه حسین و بر نامه او گشتند .

بشهادت حسین بن علی (ع) شیعیان رهبر خود را که محور اجتماعات ، و سازمان دهنده نیروهای آنها بود ، و آنان را در راه اجرای تعالیم اسلام و تحقق آرمانهای اصل تشیع ، فرماندهی می کرد از دست دادند .

پس از فاجعه کربلا امام زین العابدین بواسطه شرایط نامساعد سیاسی ، از فعالیت های سیاسی صرف نظر نموده به عبادت و مناجات پرداخت و تنها بصورت رهبر معنوی باقی ماند و از این طریق با سداری از ره آوردهای شهادت پدر را به عهده گرفت .

مبارزات شیعیان در عراق

پس از شهادت حسین بن علی (ع) ، عراق به صورت مرکز فعالیت ها و مبارزات شیعیان درآمد ، و از همان سال ۶۱ هجری یعنی پس از فاجعه کربلا

نهضت تواین آغاز گردید و این نهضت تا سال ۶۴۰ ادامه یافت و در این سال، يك نهضت دیگر شیعی یعنی نهضت «مختار ثقفی» به وجود آمد و مبارزات شیعیان را وارد روند جدیدی ساخت. البته می توان گفت که نهضت مختار، از عوامل شکست نهضت تواین بود زیرا او خود راشیسته رهبری و سازمان دهی جنبش شیعیان می دانست و عقیده داشت که «سلیمان بن صرد» رهبر تواین فاقد تجربه و آگاهی لازم جهت رهبری تاختیک های جنگی و فعالیت های سیاسی است به همین دلیل مختار تعدادی از نیروهای شیعه را به سوی خود جذب کرد و در اثر انشعاب نیروها، نهضت تواین به شکست انجامید.

در حال مختار در تاریخ شیعه در روزگار حکومت امویان نقش بزرگی ایفا کرد و تاثیر نهضت او تا آغاز حکومت عباسیان امتداد یافت.

مختار از آغاز کار، توجه داشت که برای پیروزی خود، باید بنحوی به خاندان رسالت متکی شود تا بتواند به این وسیله نیروهای شیعه را به سوی خود جذب نماید، از این رو ابتدا به سوی «عبدالله بن زبیر» (پسر عمه علی بن ابی طالب) گرایش پیدا کرد، سپس کوشید با علی بن الحسین (ع) ارتباط برقرار سازد و حمایت او را جلب نماید ولی وقتی در این کار شکست خورد، «محمد بن حنفیه» را در نظر گرفت و نظراو را به نهضت خود جلب نمود.

بعضی عقیده دارند که امام چهارم حضرت سجاد (ع) چون شرایط سیاسی را برای برقراری ارتباط مستقیم با مختار، مساعد نمی دید، بطور پنهانی از طریق عمویش «محمد بن حنفیه» او را تأیید و رهبری می کرد، بنابراین در واقع، محمد بن حنفیه نقش رابط را در میان آن دو، به عهده داشت.

گرچه وزنه سیاسی محمد بن حنفیه در این مقطع زمانی افزایش یافت ولی در هر حال، امامت و رهبری تشیع، در نسل فاطمه دختر پیامبر باقی ماند و «فرقه کیسانیه» که منتسب به محمد بن حنفیه بود، رو به انقراض رفت. امام محمد باقر (ع) نیز بر اثر همان شرایط نامساعد سیاسی و اجتماعی که پدر ارجمندش با آن روبرو بود، همانند پدر از صحنه مبارزات سیاسی بدور ماند، و به همین جهت، در تاریخ شیعه نقش سیاسی به عهده نداشت، ولی در مقابل، يك نهضت فرهنگی و علمی را بنیانگذاری کرد و مکتب تشیع را از گرایش های انحرافی به سوی فرقه های گوناگون مصون نگه داشت و به آن شکوفانی بخشید.

پس از «محمد بن حنفیه»، پسرش «ابو هاشم» به فعالیت های سیاسی پرداخت، و هنگام مرگ، «محمد بن علی عباسی» را به جانشینی خود برگزید و این موضوع، یکی از عواملی بود که عباسیان از آن بهره برداری سیاسی کردند و منتهی به پیدایش حکومت آنان در سال ۱۰۰ هجری گردید. در اثنای گسترش حکومت عباسیان که در آغاز کار خونخواهی بنی هاشم را دستاویز قرار داده بودند یعنی از سال ۱۰۰ تا سال ۱۳۲ هجری، انقلابهای خونینی توسط شیعیان رخ داد که بزرگترین آنها انقلاب «زید بن علی» (فرزند امام چهارم) نهضت پسرش «یحیی بن زید»، و قیام «عبدالله بن معاویه» (نوه جعفر بن ابی طالب) بود.

در این مدت، عباسیان و شیعیان، دوشادوش هم در صحنه حوادث ظاهر شدند و روابط دوجبهه نوسان یافت، گاهی بصورت همکاری برای پایان بخشیدن به حکومت امویان، و گاهی بصورت برخورد و ستیز درآمد، ولی پس از سقوط حکومت اموی، شیعیان در برابر حکومت عباسیان موضع مقاومت در پیش گرفتند.

اسلام و مسلمانان در کشور ساحل عاج

تاریخ نفوذ اسلام در این کشور

مساحت کشور

۲۵۰ هزار نفر است.

ساحل عاج، یکی از کشورهای جوان غرب آفریقا است که در کناره «خلیج گینه» در ساحل «اقیانوس اطلس» واقع شده است این کشور از طرف شرق با کشور «غنا»، از طرف غرب با «گینه» و «لیبریا» از سمت شمال با «ولتای علیا» و کشور «مالی» و از سمت جنوب با ساحل خلیج گینه هم مرز است و این مرز آبی ۳۴۰۰ میل طول دارد. مساحت این کشور ۱۲۷۵۰۰ میل مربع و جمعیت آن طبق سرشماری سال ۱۹۷۶ در حدود ۶ میلیون نفر است. مسلمانان ۶۰٪ و مسیحیان ۱۰٪ کل جمعیت کشور را تشکیل می دهند و ۳۰٪ از جمعیت ساحل عاج را مردم بدوی و بت پرست تشکیل می دهند که از آئین مشخصی پیروی نمی کنند.

تعداد جمعیت

بایتخت ساحل عاج، شهر «آبیدجان» است که در ساحل گینه قرار گرفته و در قاره آفریقا موقعیت چشمگیری دارد و از بایتخت های پیشرفته در آفریقا بشمار می رود و تعداد جمعیت آن بالغ بر

یکی دیگر از شهرهای مهم این کشور، شهر «بواکی» است که از شهرهای شمالی کشور و مرکز سکونت مسلمانان می باشد و دارای يك مؤسسه علمی و عربی است که اساتید عرب در آن تدریس می کنند.

در ساحل عاج، زبانها و لغت های گوناگونی رایج است که بالغ بر حدود ۶۰ زبان می شود، این زبانها در میان قبایل این کشور متداول است ولی زبان رسمی کشور، زبان فرانسوی است که از آثار استعمار این کشور توسط فرانسه است.

از قبایل بزرگ ساحل عاج، قبیله: «ماندا»، «دولا» و «هیسوفا» است که قبایل مسلمان هستند و در شمال این کشور سکونت دارند. رئیس جمهوری از یکی از این قبایل است.

وضع اقتصادی و کشاورزی

ساحل عاج از کشورهایی است که در اقتصاد خود متکی به کشاورزی است و از جمله کشورهای «در